فهرست مطالب

[تجری 2](#_Toc20049907)

[مفهوم اجمالی تجری 2](#_Toc20049908)

[انواع تجری 2](#_Toc20049909)

[تجری در شبهه موضوعیه 2](#_Toc20049910)

[تجری در شبهه حکمیه 2](#_Toc20049911)

[مقدمه 3](#_Toc20049912)

[معنای تجری 3](#_Toc20049913)

[مبادی فعل ارادی 3](#_Toc20049914)

[مراحل انجام فعل اختیاری 4](#_Toc20049915)

[معنای عام تجری در برابر مولا 5](#_Toc20049916)

[درجات تجری در تصور و انجام گناه 5](#_Toc20049917)

[تجری منطبق با واقع 6](#_Toc20049918)

[تجری غیر منطبق با واقع 6](#_Toc20049919)

[عام‌ترین مفهوم تجری 7](#_Toc20049920)

[خاص‌ترین معنای تجری 7](#_Toc20049921)

[اختصاص تجری به بحث قطع یا غیر قطع 7](#_Toc20049922)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: اصول / حجیت قطع / معانی تجری

# اشاره

دومین مبحث؛ مبحث تجری است، یکی از مباحثی که قبل از شیخ هم مطرح بوده است، بعد از شیخ هم در رسائل موردتوجه جدی قرار گرفته است و توسعه و عمق پیدا کرده است، مسئله تجری و انقیاد است، مورد سؤال قرار گرفته است که تجری موجب عقاب هست یا نیست؟

اساساً تجری حرام است یا حرام نیست و سؤالاتی از این قبیل در باب تجری پیدا شده است، بنابراین مبحث دوم در قطع، مبحث تجری است.

# مفهوم اجمالی تجری

 اجمالاً مفهوم تجری این است که شخصی بر اساس قطع یا حجتی اقدام می‌کند که مخالفت مولا در آن اقدام هست، اما درواقع این مخالفت نیست، در علم او مخالفت است، اما درواقع مخالفت نیست، به این دلیل که یک اشتباهی در تطبیق در آن عنوان مُحَرّم بر مصداق رخ داده است یا در اصل خطاب اشتباهی کرده است.

# انواع تجری

# تجری در شبهه موضوعیه

دو نوع تجری که گاهی موضوعی است و گاهی حکمی است، به این شکل است که شخص به چیزی که خمر نیست، موضوعاً یقین پیدا کرد که خمر است، بعد هم شُرب کرد و مشخص شد که یک ماده دیگر حلالی بوده است.

# تجری در شبهه حکمیه

 یا اینکه در شبهه حکمیه، قطعی در اصل حکم پیدا کرد، درحالی‌که واقعاً این‌طور نیست، مثلاً عقیده‌اش این‌طور شد که سیگار کشیدن یا استعمال دخانیات حرام است، بعد انجام داد و مشخص شد که این‌چنین حکمی ندارد.

گاهی مثل قسم اول، اشکال و اشتباه در موضوع بوده یا اینکه مثل قسم دوم در حکم بوده است.

فی‌الواقع خطا و مخالفتی انجام نشده است، اما در مقام علم مخالفت کرده است.

بنابراین تجری؛ اقدام شخص به آنچه علم یا حجت به حرمت آن دارد، درحالی‌که واقعاً این‌طور نیست، لذا مورد سؤال قرار گرفته است که آیا این فرد مستحق عقاب هست یا نیست و آیا کار این شخص حرام است یا حرام نیست؟ و مباحثی که در این مورد مطرح شده است.

# مقدمه

قبل از ورود بر بحث، چند نکته مقدماتی را در مبحث دوم که مبحث تجری باشد، عرض می‌کنیم:

اول اینکه این واژه تجری، یک واژه و لفظی است که دارای معانی متعدد و مشترک است که در اینجا یکی از آن معانی مقصود است، برای اینکه این معانی روشن بشود، مقدمه‌ای ذکر می‌کنم، بعد به آن معانی می‌پردازیم.

# معنای تجری

تجری از ماده جرأت می‌آید، یک نوع جرأت و جسارتی در برابر مولی از فرد صادر شده است.

# مبادی فعل ارادی

نکته اول این است که اصلش در علم النفس و فلسفه است، بعد در اصول هم مطرح شده است و آن مبادی فعل ارادی است، گفته‌شده که یک فعل ارادی و اختیاری که از اشخاص صادر می‌شود، از یک مبادیی صادر و جاری می‌شود، با همه اختلافاتی که در مبادی هست، اما گفته‌شده که مهم‌ترین عناصر مبادی فعل ارادی ازاینجا شروع می‌شود:

1 – تصور فعل

2 – تصدیق به فائده و ضرر

3 – شوق مثبت و منفی در شخص پیدا می‌شود.

4 – اراده و عزم شخص

حداقل مبادی که گفته‌شده، این چهار مورد است.

بنابراین تصور می‌کند که آیا می‌شود این فعل را انجام داد یا ترک کرد، ولو اینکه تصور اجمالی باشد، گام دوم این است که باید به حُسن و قبح یا نفع و ضرر این فعل تصدیق بکند، اگر نفع و ضرر را تصدیق نکند، نمی‌تواند اقدام بکند، گام سوم این است که در آن شخص میل پیدا می‌شود، وقتی تصدیق پیدا کرد، امیال او و گرایش‌های او فعال می‌شود، گرایش مثبت و منفی پیدا می‌کند.

گام چهارم این است که عزم یا اراده در شخص منعقد می‌شود، این‌ها مبادی فعل است، در گام پنجم وارد عمل می‌شود، البته وقتی وارد عمل می‌شود، غالباً فعل‌ها مقدمات دارد، یعنی در مقام عمل هم دو گام وجود دارد:

1 – مقدمات را انجام می‌دهد.

2 – رسیدن به ذی المقدمه

این حداقل مراحل فعل اختیاری است که چهار مرحله جزء مبادی است، همان‌طور که در کفایه هم ذکر شده است، در کتب فلسفی هم ذکر شده است.

البته در شوق مباحثی است، مثل‌اینکه آیا شوق هست یا نیست، اگر هم هست، شوق عادی است یا شوق اکید است که در کلمات صاحب کفایه ذکر شده است.

علی‌الاصول این چهار مرحله درست است:

1 – تصور فعل

2 – تصدیق به نفع و ضرر

3 – شوق یا شوق اکید

4 – عزم و اراده

# مراحل انجام فعل اختیاری

وقتی عزم و اراده انجام شد، به مرحله فعل می‌رسد، در مرحله فعل، بایستی اولاً آن جوانح و ابزار و ادوات و آلات فعل از نظر فردی آماده باشد.

ثانیاً: مقدمات فعل را انجام بدهد.

ثالثاً: خود ذی المقدمه را انجام بدهد.

این‌ها تصویر کلی از مراحل مقدمات روان‌شناختی و درونی صدور فعل اختیاری است، بعد که به عمل می‌رسد، پس‌ازآنکه ادوات و ابزار را دارد، بعد مراحل مقدمات و ذی المقدمه صادر می‌شود.

# معنای عام تجری در برابر مولا

تجری در برابر مولا، یک معنای عامی دارد که هر اقدامی در برابر دستگاه امرونهی مولا، در هر یک از این مراحل یک نوع جرأت و جسارت در برابر مولا است، یعنی هر اقدامی که بویی از ایستادگی در برابر خواست مولا بدهد:

# درجات تجری در تصور و انجام گناه

 اولین مرحله‌اش این است که شخص تصور گناه بکند، این تجری در غالب از افراد هست، بعضی به‌جایی می‌رسند که تصور گناه هم نمی‌کنند، این یک نوع جرأت بسیار خفیف و ضعیف است، این نوع تجری به معنای عام هست، تجری به معنای عام؛ هر اقدام درونی و بیرونی در برابر خواسته مولا است.

مرحله دوم؛ تصدیق است، خداوند فرموده است که غیبت حرام است، اما شخصی تصدیق و اذعان بکند که غیبت چیز خوبی است، ولو اینکه عمل نکند، این جرأت نسبت به اولی یک مقدار شدیدتر است.

مرحله سوم این است که کسی شوق و میل و هوس به آن گناه را بکند، این جرأت یک مقدار از دومی شدیدتر است.

در مرحله چهارم، تجری فرد به نحوی است که اراده گناه می‌کند، تصمیم به گناه می‌گیرید، واژه «هَمّ» گاهی به معنای شوق است، گاهی هم اراده را در بر می‌گیرد، در داستان حضرت یوسف که واژه «هَمّ» هست، شاید شوق بوده یا خفیفت تر از آن بوده است، ممکن است که به حد اراده هم رسیده باشد.

این چهار مرحله، تجری درونی است، در درون یک نوع جرأتی ورزیده است، امیال درونی شخص در برابر اراده و خواست مولا قد برافراشته است.

بدترین حالت، حالت چهارم است که شخص اراده به گناه می‌کند، در روایات ذکر شده است که در برابر اراده و تصمیم گناه، عقابی در نظر گرفته نشده است، اما جرأت در مقابل امر مولا است، یک نوع هتک حرمت مولا در برابر مولا است، از نظر روان‌شناختی رخ داده و اتفاق افتاده است.

مرحله پنجم در مقدمات است، گاهی گناه از تصور و تصدیق و شوق و تصمیم به مرحله عمل می‌رسد که در مرحله انجام مقدمات گناه است.

مرحله ششم این است که خود عمل را انجام می‌دهد، این انواع و اقسام تجری است، منطبق بر آن مبادی اراده و خود عمل در مقدمات و ذی المقدمه است، شش مرحله تجری در مقابل مولی داریم، همه این مراحل یک نوع قبح عقلی هم دارند.

نکته که بیان کردیم، این است که تجری یک مفهوم عامی دارد که حداقل شامل این شش مرحله مذکور می‌شود، از نظر عقلی، همه این‌ها نوعی حزازت دارد، حزازت برحسب آن جرأت و جسارتی در برابر مولی از عبد صادر شده است، درجاتی دارد.

این شش مرحله را می‌شود به تجری های درونی و روان‌شناختی محض که چهار مرحله اول است و تجری های عینی و عملی که دو مرحله آخر است، تقسیم کرد.

# تجری منطبق با واقع

نکته دیگر این است که تجری از یک جهت دیگر هم قابل‌تقسیم است، آن تقسیم این است که تجری گاهی همراه با انطباق با واقع هست، یعنی اقدامی که در مقدمات یا ذی المقدمه یا حتی در مراتب قبلش انجام داده است، اقدامی است که درواقع منطبق بر جایی است که فی‌الواقع هم حرام است، یعنی علمی که به دست آورده است، علم به واقع بوده است، همه مراحل را هم که انجام داده است، منطبق با واقع بوده است و انجام داده است، این تجری هست که همراه با معصیت واقعیه است.

# تجری غیر منطبق با واقع

نوع دومش این است که هر یک از شش مرحله را انجام داده است، اما تجری بدون انطباق بر واقع بوده، مقدمات را انجام داده است، اما مقدماتی است که شخص فکر می‌کند که حرام است، اما واقعاً حرام نیست یا خود آن فعل را انجام داده است، درحالی‌که فکر می‌کند که حرام است، اما درواقع حرام نیست.

همه این مراحل گاهی منطبق با واقع است، تجری مضاعف است، چون منطبق با واقع است و مرتکب مفسده واقعیه شده است، گاهی منطبق با واقع نیست، لذا قبح فاعلی داشته است، اما در مقام خارج، کار حرامی نبوده است، مثلاً غیبت کسی را کرده است، فکر می‌کرده که این شخص محترمی بوده است، اما بعد معلوم شده است که اصلاً این شخص حرمتی نداشته است.

با توجه به مقدماتی که ذکر شد، تجری می‌تواند معانی متعددی داشته باشد:

1 – بگوییم: تجری همه آن مراحل شش‌گانه را در بر می‌گیرد، در هرکدام از این‌ها هم، اعم از اینکه با واقع منطبق باشد یا منطبق نباشد، یعنی دوازده قسم می‌شود، مفهوم عامی که همه آن‌ها را در بر می‌گیرد، این عام‌ترین مفهوم تجری است.

# عام‌ترین مفهوم تجری

 ازلحاظ روان‌شناختی؛ هر اقدام ظاهری و باطنی که از نگاه و علم و حجت شخص، مخالفت با مولا باشد، اعم از اینکه مطابق با واقع باشد یا نباشد، تجری است، این مفهوم، عام‌ترین مفهوم تجری است.

# خاص‌ترین معنای تجری

خاص‌ترین معنای تجری این است که شخص در انجام ذی المقدمه ‌این‌طور می‌پندارد که معصیت است، درحالی‌که واقعاً این‌طور نیست، محل بحث هم در اینجا هست.

میان این دو هم امکان دارد که تجری یک اصطلاحات میانه‌ای هم پیدا بکند، مثلاً ممکن است که بگوییم: تجری، مرحله اول و دوم را در بر نمی‌گیرد، بلکه تجری در آنجایی هست که شوق باشد یا اراده باشد، ممکن است بگوییم که شوق را در بر نمی‌گیرد، بلکه مقدمات را در بر می‌گیرد، انواعی از معانی و فروض دیگر هم قابل‌تصور است که بعضی از آن‌ها استعمال هم دارد، منتهی لازم نمی‌دانم که آن‌ها را خیلی تفصیل بدهیم.

# اختصاص تجری به بحث قطع یا غیر قطع

نکته بعدی که در کلمات آقای نائینی و بعضی دیگر هم ذکر شده است، این است که مقصود از تجری، مخالفت با قطعی است که منطبق با واقع نیست یا اینکه حجت‌های دیگر را هم در بر می‌گیرد، مثلاً؛ شخص اماره‌ای داشته است که این فعل حرام است، شخص هم با توجه به اماره‌اش اقدام کرده است، اما واقعاً خلاف آن بوده است.

 آیا تجری اختصاص به بحث قطع دارد، چون ذیل بحث قطع آورده‌اند یا اینکه تجری اختصاص به بحث قطع ندارد و فراتر از بحث قطع است؟

سؤال دیگر این است که این بحث اصولی یا کلامی یا فقهی یا امثالهم است؟ بحث دیگر در مورد انقیاد است، اینکه انقیاد چه مفهوم و وضعی دارد.